اخبار

سینما در هفته گذشته چقدر بلیت فروخت؟

جدول فروش سینما با فروش حدود ۴۲ میلیارد تومان در یک هفته گذشته و ۳۰۰ هزار نفر مخاطب ببشتر، با تغییر در جایگاه فیلم‌های روی پرده همراه شد.

به گزارش ایسنا، در شرایطی که فیلم «آنتیک» تا ۱۰ مرداد در صدر جدول فروش سینماها بود، در یک هفته گذشته دو فیلم «زنده‌شور» و «استخر» با افزایش تعداد مخاطبانشان، از این فیلم در گیشه پیشی گرفتند.

در حال حاضر فروش کلی فیلم‌های در حال اکران تا صبح شنبه، ۱۷ مردادماه ۳۱۶ میلیارد و ۳۳۳ میلیون تومان است و دو میلیون و ۴۰۸ هزار نفر هم به تماشای این فیلم‌ها نشسته‌اند. در این بین سهم دو فیلم «استخر» و «زنده شور» حدود ۱۵۰ میلیارد تومان است.

آمار جزئی میزان فروش و تعداد تماشاگران فیلم‌ها طبق اطلاعات سامانه سمفا به شرح زیر است:

«زنده شور» به کارگردانی کاظم دانشی: ۵۱۶ هزار نفر تماشاگر و ۷۷ میلیارد و ۳۷۰ میلیون تومان فروش

«استخر» به کارگردانی سروش صحت: ۴۸۲ هزار نفر تماشاگر ۷۱ میلیارد و۸۶۸ میلیون تومان فروش

«آنتیک» به کارگردانی محمدهادی نائیجی: ۵۱۸ هزار و ۶۵۳ نفر تماشاگر ۵۹ میلیارد و ۵۰۹ میلیون تومان فروش

«تهران کنارت» به کارگردانی علی بهراد: ۳۷۶ هزار و ۲۳۰ نفر تماشاگر و ۵۳ میلیارد ۹۶۱ میلیون تومان فروش

«تاکسیدرمی» به کارگردانی محمد پایدار: حدود ۱۶۰ هزار نفر تماشاگر و ۱۶ میلیارد و ۸۰۸ میلیون تومان فروش

«سفر به لیمونیا» به کارگردانی کمال مقدم: ۱۰۷ هزار نفر تماشاگر و ۱۱ میلیارد و ۹۳۶ میلیون تومان فروش

«خواب نما» به کارگردانی رضا مقصودی: حدود ۳۵ هزار نفر تماشاگر و ۴ میلیارد و۵۲۹ میلیون تومان فروش

«لباس شخصی» به کارگردانی امیرعباس ربیعی:۲۶ هزار و ۵۳۰ نفر تماشاگر و ۳ میلیارد و ۳۲۷ میلیون تومان فروش

«قمارباز» به کارگردانی محسن بهاری: حدود ۲۲ هزار نفر تماشاگر و یک میلیارد ۹۱۰ میلیون تومان فروش

«نبرد با خرچنگ» به کارگردانی مازیار محمدی‌نژاد: ۱۳ هزار و ۵۱۹ نفر تماشاگر و یک میلیارد و۵۱۲ میلیون تومان

انیمیشن «شمشیر و اندوه» به کارگردانی عماد رحمانی و مهرداد مهرابی:۲۳۶۲ نفر تماشاگر و ۲۲۲ میلیون تومان فروش

«ماه پنهان» به کارگردانی محمدرضا یکانی: ۱۰۹۳ نفر تماشاگر و ۱۷۹ میلیون تومان فروش

این فیلم‌ها در حالی روی پرده سینماها در حال اکران هستند که با توجه به تعطیلی آخر این هفته همزمان با روزهای پایانی ماه صفر، احتمالا فیلم‌های جدیدی از هفته‌های آینده به اکران اضافه شوند.

تئاترها دو شب اجرا ندارند

همزمان با رحلت حضرت محمد(ص)، شهادت امام حسن مجتبی و امام رضا(ع)، نمایش‌های کشور، ۲ شب اجرا نخواهند داشت.

به گزارش ایسنا، طبق اعلام مرکز هنرهای نمایشی، تئاترها از اذان مغرب روز سه‌شنبه ۲۰ مردادماه تا اذان مغرب روز پنج‌شنبه ۲۲ مردادماه، به صحنه نمی‌روند.

اجرای نمایش‌ها پس از اذان مغرب روز پنج‌شنبه ۲۲ مردادماه، طبق روال سابق می‌تواند ادامه پیدا کند. در این بازه زمانی، نمایش‌های مناسبتی، مذهبی و سوگواره‌ها، با رعایت قوانین محل اجرا، امکان ادامه اجرا خواهند داشت.

مجید واشقانی و بودجه ۱۵۰ میلیاردی برای ساخت فیلم!

خدا بده برکت ولی چرا؟

چه چیزی در کارنامه مجید واشقانی وجود دارد که چنین اعتمادی را توجیه کند؟ او تا امروز عمدتاً در مقابل دوربین بوده نه پشت آن، و تجربه‌اش در حوزه کارگردانی حتی به یک فیلم کوتاه دانشجویی هم نمی‌رسد!

ملاک انتخاب چه بوده است؟ رزومه؟ طرح تولید؟نمونه کار؟ یا روابطی که هیچ‌گاه برای افکار عمومی توضیح داده نمی‌شوند؟

خبری منتشر شده که جای تامل دارد، به گزارش همشهری مجید واشقانی بازیگر قرار است که یک فیلم بیگ پروداکشن جنگی را به زودی کارگردانی کند.

نهال موسوی در عصر ایران نوشت: نام این فیلم «بریجتون» است و بخشی از زندگی شهید نادر مهدوی از فرماندهان نیروی دریایی جنگ ایران و عراق را به تصویر می کشد. واشقانی که بیشتر به عنوان بازیگر در عرصه تلویزیون شناخته می شود مدتی است اجرای برنامه اینترنتی «رک» را برعهده دارد.

بخش اعظم «بریجتون» که این روزها در مرحله پیش تولید قرار دارد قرار است در جنوب کشور و بر روی نفتکش دریایی فیلمبرداری شود. گفته می شود هزینه این پروژه بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان برآورد شده و محصول یکی از ارگان های دولتی است.

نکته قابل توجه این است که مجید واشقانی بدون تجربه ساخت تله فیلم، سریال و حتی فیلم کوتاه، قرار است برای اولین بار با این پروژه پشت دوربین قرار بگیرد. تهیه کنندگی «بریجتون» را جمال گلی برعهده دارد.

هر سینمایی برای زنده ماندن به استعدادهای تازه نیاز دارد. هیچ کارگردان بزرگی با فیلم دهمش متولد نشده است. همه از جایی شروع کرده‌اند، از همان فیلم اول. اما آنچه امروز درباره پروژه «بریجتون» محل بحث است، فیلم اول بودن مجید واشقانی نیست، بلکه ابعاد پروژه‌ای است که قرار است نخستین تجربه کارگردانی او باشد.

پروژه‌ای جنگی با هزینه‌ای بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان، فیلمبرداری روی نفتکش، بازسازی عملیات دریایی و تولیدی در مقیاس «بیگ پروداکشن» قرار است به فیلم اول کارگردانی سپرده شود که تاکنون نه فیلم کوتاهی ساخته، نه تله‌فیلمی، نه سریالی و نه حتی تجربه‌ای در مدیریت یک پروژه سینمایی به عنوان کارگردان داشته است.

پرسش اینجاست: چرا؟ این سؤال نه از سر دشمنی با یک بازیگر است و نه مخالفت با ورود چهره‌های جدید به عرصه کارگردانی. اتفاقاً اگر مجید واشقانی می‌خواهد فیلم بسازد، باید از این تصمیم استقبال کرد. اما آیا نخستین تجربه کارگردانی، باید پروژه‌ای باشد که بودجه آن با بودجه ساخت چندین فیلم مستقل برابری می‌کند؟

در تمام دنیا، پروژه‌های پرهزینه معمولاً به کارگردانانی سپرده می‌شوند که پیش از آن توانایی خود را در مقیاس‌های کوچک‌تر ثابت کرده‌اند. دلیلش هم روشن است، مدیریت یک پروژه عظیم فقط کارگردانی بازیگران نیست.

هماهنگی صدها نفر، کنترل هزینه، تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی، مدیریت جلوه‌های ویژه، برنامه‌ریزی تولید و حفظ کیفیت هنری، مهارت‌هایی هستند که معمولاً در طول سال‌ها تجربه به دست می‌آیند.

اما ظاهراً در بخشی از سینمای ایران، این مسیر طبیعی دیگر معنایی ندارد. اگر خبرها درست باشد، تهیه‌کنندگی پروژه نیز بر عهده جمال گلی است، تهیه‌کننده‌ای که کارنامه‌اش بیشتر با چند کمدی تجاری مانند «ریکاوری»، «مسابقه ازدواج» و «شگون» شناخته می‌شود و سابقه‌ای در مدیریت پروژه‌های عظیم جنگی یا آثار پرهزینه تاریخی و نظامی ندارد.

مجید واشقانی و بودجه ۱۵۰ میلیاردی برای ساخت فیلم! خدا بده برکت ولی چرا؟

نتیجه این ترکیب، سؤالی بزرگ‌تر را ایجاد می‌کند، چه کسی به این جمع‌بندی رسیده که پروژه‌ای در چنین ابعادی باید به کارگردانی بدون سابقه و تهیه‌کننده‌ای بدون تجربه در تولید آثار بیگ‌پروداکشن سپرده شود؟

ملاک انتخاب چه بوده است؟ رزومه؟ طرح تولید؟ نمونه کار؟ یا روابطی که هیچ‌گاه برای افکار عمومی توضیح داده نمی‌شوند؟

مشکل دقیقاً همین‌جاست. وقتی پروژه‌ای با چنین بودجه‌ای از منابع عمومی یا بودجه یک نهاد دولتی تولید می‌شود، دیگر نمی‌توان گفت این تصمیم فقط به سرمایه‌گذار مربوط است. این پول، در نهایت متعلق به بیت‌المال است و جامعه حق دارد بداند بر چه اساسی هزینه می‌شود.

چه تضمینی وجود دارد که این سرمایه بازگردد؟ چه شاخصی برای ارزیابی موفقیت پروژه تعریف شده است؟ اگر فیلم شکست بخورد، چه کسی پاسخگو خواهد بود؟

در سینمای خصوصی، پاسخ ساده است، سرمایه‌گذار ضرر می‌کند و هزینه تصمیم اشتباه را خودش می‌پردازد. اما در پروژه‌های دولتی، معمولاً هیچ‌کس مسئول شکست نیست. فیلم ساخته می‌شود، اکران می‌شود، گاهی حتی مخاطب چندانی هم پیدا نمی‌کند و بعد پرونده بسته می‌شود، بدون اینکه کسی درباره هزینه‌ها یا نتیجه نهایی توضیحی بدهد.

همین روند است که اعتماد عمومی را از بین می‌برد. صدها فیلمساز جوان در ایران سال‌ها فیلم کوتاه می‌سازند، در جشنواره‌های داخلی و خارجی جایزه می‌گیرند، با بودجه‌های ناچیز تجربه کسب می‌کنند و در نهایت برای ساخت نخستین فیلم بلند خود باید سال‌ها پشت درهای بسته بمانند.

آن‌وقت ناگهان خبر می‌رسد که فردی بدون سابقه کارگردانی، مستقیم پشت فرمان پروژه‌ای چندصد میلیاردی می‌نشیند. طبیعی است که این اتفاق، بیش از آنکه امید ایجاد کند، احساس تبعیض را تقویت کند. این پیام خطرناک به بدنه سینمای ایران مخابره می‌شود که مسیر حرفه‌ای، تجربه، آزمون و موفقیت‌های تدریجی، دیگر الزاماً معیار پیشرفت نیست. گاهی کافی است در نقطه‌ای قرار بگیرید که چنین فرصت‌هایی برایتان فراهم شود.

بدتر از همه اینکه اگر پروژه موفق شود، همه آن را به حساب نبوغ فردی خواهند گذاشت، اما اگر شکست بخورد، هزینه آن را نه تصمیم‌گیرندگان، بلکه منابع عمومی خواهند پرداخت.

سینمای ایران بیش از هر زمان دیگری به شفافیت نیاز دارد، نه فقط درباره ارقام بودجه، بلکه درباره سازوکار انتخاب مدیران پروژه‌ها، کارگردانان و تهیه‌کنندگان آثار پرهزینه.

هیچ‌کس مخالف فرصت دادن به نسل جدید نیست، اما فرصت دادن با واگذاری بزرگ‌ترین پروژه‌ها تفاوت دارد.

فیلم اول، جای آزمون استعداد است، نه میدان آزمون بودجه‌های کلان. تا زمانی که نهادهای سفارش‌دهنده توضیح ندهند چرا چنین انتخاب‌هایی انجام می‌شود و چه معیارهایی پشت این تصمیم‌ها قرار دارد، هر خبر از این دست فقط یک سؤال را پررنگ‌تر می‌کند:

در سینمای ایران، دقیقاً چه کسانی به بودجه‌های بزرگ دسترسی دارند و بر اساس کدام منطق؟

عیادت مدیرعامل خانه موسیقی و جمعی از مدیران فرهنگی از ایرج

جمعی از مدیران فرهنگی و هنری از حسین خواجه‌امیری (ایرج) که در بیمارستان بستری است، عیادت کردند.

به گزارش ایرنا، در پی بستری شدن حسین خواجه امیری (ایرج)، خواننده پیشکسوت موسیقی سنتی در یکی از بیمارستان‌های تهران، جمعی از مدیران و چهره‌های فرهنگی و هنری با حضور در محل بستری این استاد نامدار، ضمن گفت وگو با خانواده وی، در جریان روند درمان و اقدامات پزشکی انجام‌شده برای او قرار گرفتند. در این دیدار، حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی ایران، محمدجواد حق‌شناس مشاور فرهنگی وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، سیدعباس سجادی مدیر دیپلماسی مرکز امور بین‌الملل و دیپلماسی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، همچنین حسن مهرجردی، حسین کرمی، محسن قادری و سیاوش ادهم حضور داشتند.

محمدجواد حق‌شناس در این دیدار، با ابلاغ سلام و آرزوی سلامتی سیدرضا صالحی‌امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به استاد خواجه‌امیری و خانواده او، بر جایگاه ممتاز این هنرمند پیشکسوت در حافظه فرهنگی و هنری ایران تأکید کرد.

وی با یادآوری نقش ماندگار استاد حسین خواجه‌امیری در اعتلای موسیقی اصیل ایرانی، به تعبیر ماندگار زنده‌یاد استاد محمدرضا شجریان اشاره کرد که از استاد خواجه‌امیری با عنوان «پهلوان آواز ایران» یاد کرده بود و این تعبیر را بازتابی از منزلت هنری، اخلاقی و مردمی این استاد برجسته دانست.

حق‌شناس همچنین برای استاد خواجه‌امیری آرزوی سلامتی، عافیت و بازگشت هرچه سریع‌تر به آغوش خانواده و جامعه هنری کشور کرد.

در پایان این دیدار، محمدجواد حق‌شناس با اهدای لوحی از صنایع‌دستی مزین به تصویر استاد حسین خواجه‌امیری به خانواده این هنرمند پیشکسوت، از دهه‌ها خدمات ماندگار و ارزشمند وی به فرهنگ، هنر و موسیقی اصیل ایران قدردانی کرد.

جنگ آنتن را تغییر داد

پخش «موسی» و «سلمان فارسی» به پایان سال می‌رسد؟

رئیس سیمافیلم از امیدواری برای پخش سریال های «موسی کلیم الله» و «سلمان فارسی» تا پایان سال خبر داد.

مهدی نقویان رئیس سیمافیلم درباره زمان پخش سریال های الف ویژه سازمان به خبرنگار مهر بیان کرد: بنا بود سریال «موسی کلیم الله» و «سلمان فارسی» هر ۲ امسال به پخش برسند، اما ۲ جنگ تحمیلی که رخ داد، همه برنامه‌ریزی‌های کشور، از جمله برنامه‌ریزی‌های تلویزیون و آنتن را تحت تأثیر قرار داد.

وی ادامه داد: هم بنای تیم تولید و هم سیاست مدیریتی سازمان این بود که موانع برطرف شود و آثار امسال روی آنتن بروند. البته هنوز ناامید نیستیم و اگر شرایط به روال طبیعی پیش برود، امیدواریم این آثار تا اواخر سال به پخش برسند.

نقویان با اشاره به سریال های مرتبط با جنگ گفت: فصل دوم «سرو، سپید، سرخ» اکنون در حال فیلمبرداری است. بار دیگر از کارگردانان حرفه‌ای و نام‌آور بهره گرفته شده و در عین حال از کارگردانان باتجربه قبلی این مجموعه نیز بهره برده‌ایم.

وی ادامه داد: این مجموعه مورد توجه بسیاری از نهادها و رسانه‌ها قرار گرفته است؛ برای مثال، شهرداری، فراجا و مجموعه‌های مختلف سفارش داده‌اند که برای آن‌ها نیز «سرو، سپید، سرخ» ساخته شود. بنا داریم این مجموعه یک کار عمومی و سراسری باشد و «سرو، سپید، سرخ» حداقل به صورت هفتگی ادامه پیدا کند.

وی با اشاره به سریال طنز تلویزیون درباره جنگ نیز گفت: سریال «صفا با خانواده» کاری بود که برای دوران جنگ تولید کردیم. فعلاً درباره ادامه آن صحبتی نشده، اما به هر حال جزو کارهای ضربتی بود که طنز خوبی داشت. البته شاید به دلیل شرایط پخش و پایین بودن کنداکتور در آن مقطع، کمتر مورد توجه قرار گرفت، چرا که دغدغه اصلی مردم روزشمار جنگ بود.

رئیس سیمافیلم درباره نقدها نسبت به کیفیت این اثر بیان کرد: می‌توان به سریال نقد داشت اما اصل ماجرا این است که جدا از محتوا، این مجموعه در شرایط جنگی و با سرعت بالایی ساخته شد که به نظر من قابل توجه است. حضور خود احمد مهرانفر و کارگردانی منوچهر هادی نیز از نکات قابل توجه این اثر بود. به نظرم به دلیل شرایط کنداکتور و فضای جنگی، این سریال آن‌گونه که باید دیده نشد و می‌توانست بیش از این مورد توجه رسانه‌ها قرار بگیرد.

وی در پایان درباره «مرد سه‌هزار چهره» گفت: این سریال به دلیل چالش هایی که شخصیت در آن قرار می‌گیرد، دارای موقعیت‌های ویژه‌ای است و در واقع یک برند ویژه محسوب می‌شود. ان‌شاءالله مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد. ما تلاش کردیم هر آنچه برای آقای مدیری لازم بود فراهم کنیم تا اثر با کیفیت مطلوب تولید شود و مورد توجه مخاطبان قرار گیرد. این مجموعه حدود ۱۵ قسمت دارد و شخصیت اصلی در پنج یا شش موقعیت مختلف قرار می‌گیرد.

اعتراف تلخ خالق «بازی تاج‌وتخت»

با غم و افسردگی دست‌وپنجه نرم کرده‌ام

جورج آر. آر. مارتین، خالق مجموعه «ترانه یخ و آتش»، در تازه‌ترین نوشته شخصی خود از سالی «پراسترس» و «طاقت‌فرسا»، از دست دادن دوستان و دست‌وپنجه نرم کردن با غم و افسردگی گفته است؛ اعترافی که بار دیگر توجه‌ها را به وضعیت نویسنده ۷۷ ساله و سرنوشت «بادهای زمستان»، ششمین جلد از مجموعه‌ای که بیش از یک دهه در انتظار انتشار آن هستند، جلب کرده است.

به گزارش خبرآنلاین به نقل از گاردین، جورج آر. آر. مارتین، نویسنده مجموعه «ترانه یخ و آتش»، از تجربه افسردگی در طول سالی «پراسترس» و «طاقت‌فرسا» سخن گفته است؛ آن هم در شرایطی که خوانندگان همچنان چشم‌انتظار ششمین جلد این مجموعه هستند که انتشارش بارها به تأخیر افتاده است.

این نویسنده ۷۷ ساله آمریکایی که رمان‌های فانتزی‌اش الهام‌بخش مجموعه تلویزیونی موفق «بازی تاج‌وتخت» شبکه اچ‌بی‌او بود، در نخستین پست شخصی خود در وبلاگش طی نزدیک به شش ماه، صادقانه درباره مشکلات اخیرش نوشته است.

او در پستی با عنوان «دیر بهتر از هرگز» نوشت: «این سال، دست‌کم بخواهیم بگوییم، پراسترس بوده است. اتفاقات زیادی رخ داده و همه‌چیز طاقت‌فرسا شده است. بعضی از آنها اتفاقات فوق‌العاده و هیجان‌انگیزی بوده‌اند؛ رؤیاهایی که به حقیقت پیوستند. اما کابوس‌هایی هم وجود داشته‌اند. دوستانی را از دست داده‌ام. با غم و افسردگی دست‌وپنجه نرم کرده‌ام. شاید بدترین‌ها هنوز در راه باشند.»

او توضیح داد پست‌هایی که از ماه فوریه در وب‌سایتش منتشر شده‌اند، توسط دستیارانش نوشته شده‌اند، زیرا با وجود کمک آنها، او همچنان از برنامه عقب مانده است.

مارتین که در ماه سپتامبر ۷۸ ساله می‌شود، درباره بالا رفتن سن نیز تأمل کرده است. او نوشت: «پیر شدن اصلاً لذت‌بخش نیست»؛ هرچند اضافه کرد که این سال در کنار دشواری‌هایش، «لحظات شگفت‌انگیزی» نیز داشته است.

او نوشت: «فکر می‌کنم این همان زندگی است. البته که این را می‌دانستم. اگر داستان‌های من را خوانده باشید، خودتان می‌دانید.»

از جمله اتفاقات مهم سال برای مارتین، موفقیت «یک شوالیه از هفت پادشاهی» بود؛ پیش‌درآمد «بازی تاج‌وتخت» شبکه اچ‌بی‌او که بر اساس داستان‌های کوتاه «دانک و اِگ» او ساخته شده و موفق به دریافت ۹ نامزدی جایزه امی، از جمله نامزدی بهترین سریال درام، شده است.

اظهارات مارتین در شرایطی مطرح شده که گمانه‌زنی‌ها درباره «بادهای زمستان» همچنان ادامه دارد؛ ششمین و ماقبل آخرین رمان مجموعه «ترانه یخ و آتش». نگارش این کتاب از زمان انتشار پنجمین جلد، «رقص با اژدهایان» در سال ۲۰۱۱، ادامه داشته و این اثر به یکی از موردانتظارترین رمان‌های تاریخ معاصر نشر تبدیل شده است. با این حال، هنوز هیچ تاریخ رسمی برای انتشار آن اعلام نشده است.

مارتین به دلیل این تأخیر طولانی، با انتقادهای مستمر بخشی از خوانندگان روبه‌رو بوده و پیش‌تر از این کتاب با عنوان «نفرین زندگی من» یاد کرده بود.

مجموعه تلویزیونی «بازی تاج‌وتخت» سرانجام از داستان‌های منبع اصلی جلو زد و فصل‌های پایانی آن مسیر روایی جداگانه‌ای را دنبال کردند؛ مسیری که واکنش‌های متفاوتی از سوی منتقدان و مخاطبان به همراه داشت، به‌ویژه پس از پخش فصل پایانی در سال ۲۰۱۹.

مارتین در پستی که در ماه مه ۲۰۲۵ در وبلاگش منتشر کرد، مستقیماً به کسانی پاسخ داد که معتقد بودند او مجموعه را رها کرده است. او با لحنی طعنه‌آمیز، اتهاماتی را که علیه او مطرح می‌شد فهرست کرد: «من هرگز «بادهای زمستان» را تمام نمی‌کنم. اگر تمامش کنم، هرگز «رؤیای بهار» را تمام نمی‌کنم. اگر آن را هم تمام کنم، خوب از آب درنمی‌آید.»

او در ادامه با اشاره به اتهام‌های دیگر نوشت: «به هر حال به‌زودی می‌میرم، چون خیلی پیر شده‌ام. دهه‌هاست علاقه‌ام را به «ترانه یخ و آتش» از دست داده‌ام. دیگر برایم مهم نیست که بنویسم؛ فقط نشسته‌ام و پول‌هایم را خرج می‌کنم.»

با این حال، مارتین تأکید کرد که همچنان به دنیای وستروس و شخصیت‌های آن علاقه دارد. او نوشت: «به همه آنها اهمیت می‌دهم؛ بیشتر از آنچه تصورش را بکنید.»

مارتین در مصاحبه‌ای با هالیوود ریپورتر در ژانویه امسال گفته بود که حدود ۱۱۰۰ صفحه از نسخه دست‌نویس «بادهای زمستان» را به پایان رسانده است.

او گفته بود ناتمام گذاشتن این مجموعه برایش مانند «یک شکست کامل» خواهد بود و اضافه کرده بود: «واقعاً فکر می‌کنم اگر بتوانم از شر بعضی از این کارهای دیگر خلاص شوم، می‌توانم «بادهای زمستان» را خیلی زود تمام کنم... برایم روشن شده که «بادهای زمستان»

اخبار

پیام وزیر فرهنگ به مناسبت روز خبرنگار

خبرنگاری در روزهای سخت، سیمایی از مجاهدت فرهنگی و اجتماعی پیدا می‌کند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار پیامی به مناسبت روز خبرنگار نوشت: خبرنگاری در وجوه مختلف آن در روزهای عادی، پیشه‌ای شریف است اما در روزهای سخت، سیمایی از مجاهدت فرهنگی و اجتماعی پیدا می‌کند.

به گزارش برنا به نقل از مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس صالحی به مناسبت ۱۷ مرداد و روز خبرنگار پیامی را منتشر کرد که متن آن بدین شرح است: «روز خبرنگار را به همه اصحاب شریف رسانه، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، عکاسان، تصویربرداران، دبیران، سردبیران و همه آنان که عمر و همت خویش را در راه آگاهی، حقیقت و خدمت به مردم نهاده‌اند، تبریک می‌گویم.

سالی که بر ایران عزیز گذشت، سالی آکنده از حوادث بزرگ و آزمون‌های دشوار بود؛ سالی که ملت بزرگ ایران، در برابر جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی، بار دیگر استواری، نجابت، مظلومیت و عظمت خود را به نمایش گذاشت. در این رویارویی، آنچه هدف قرار گرفت تنها خاک و خانه و جان مردم نبود؛ حقیقت نیز آماج تحریف قرار داشت و روایت ایران، خود به بخشی مهم از میدان دفاع ملی بدل شد.

در چنین هنگامه‌ای، رسالت اهالی رسانه، رسالتی خطیر و تاریخی بود. آنان باید صدای ایران را به جهان می‌رساندند؛ صدای ملتی که در سوگ شهادت رهبری حکیم و فرزندان دلیر خود نشست اما قامت عزت خویش را خم نکرد؛ ملتی که نام بیش از چهارصد کودک شهید و از جمله کودکان معصوم میناب، سند آشکار مظلومیت او و گواه روشن جنایت دشمنانش شد؛ ملتی که در برابر جنگی ظالمانه، بر استقلال، ایمان و آرمان‌های خود پای فشرد و ماه‌های متمادی، فریاد استقلال‌طلبی خود را در تمام میادین شهر فریاد زد.

اهالی رسانه ایران در این سال دشوار، درخشان ظاهر شدند. تلاش صادقانه، روایت مسئولانه، حضور به‌هنگام و تحلیل‌های دقیق آنان، موجب شد روایت رسانه‌های ایرانی از این جنگ ظالمانه، بیش از گذشته شنیده شود و مرجعیت رسانه‌ای ایران در شناخت ابعاد این رخداد بزرگ، جایگاهی جدی‌تر و محترم‌تر در نگاه مخاطبان و ناظران بیابد.

خبرنگاری در وجوه مختلف آن در روزهای عادی، پیشه‌ای شریف است اما در روزهای سخت، سیمایی از مجاهدت فرهنگی و اجتماعی پیدا می‌کند. خبرنگار، عکاس و تصویربردار در چنین روزهایی تنها ناقل خبر نیست؛ امین حقیقت، حافظ حافظه جمعی ملت و واسطه رساندن رنج، صبوری، ایستادگی و شرافت مردم به آیندگان است.

در این روز، با ادای احترام به مقام والای شهدای اصحاب رسانه که در راه حقیقت و خدمت به مردم جان عزیز خویش را از دست دادند، یاد آنان را گرامی می‌دارم و در برابر صبر و بزرگواری خانواده‌های معزز ایشان سر تعظیم فرود می‌آورم.

از خداوند متعال برای همه فعالان شریف رسانه کشور، عزت، سلامت، آزادگی، انصاف، بصیرت و توفیق روزافزون در خدمت به مردم، حقیقت و ایران عزیز مسئلت دارم.»

مهدی هاشمی:

«اکبر عبدی» چارلی چاپلینِ ایران بود

مهدی هاشمی، بازیگر پیشکسوت، پس از یک هفته از درگذشت اکبر عبدی، به این اتفاق تلخ واکنش نشان داد و گفت: اکبر عبدی «زنده است چون در دل مردم جا دارد»؛ او کمدینی بی‌رقیب و منتقدی زورمندستیز بود که چون چارلی چاپلین با وجود محدودیت‌ها، وظیفه‌اش را به‌جا آورد و جاودانه شد.

به گزارش ایسنا، مهدی هاشمی -بازیگر سینما و تلویزیون- یک ساعت پیش با انتشار یک ویدیو در صفحه شخصی خود در اینستاگرام به مرگ اکبر عبدی واکنش نشان داد و گفت: یک هفته از درگذشت اکبر عبدی، بازیگر محبوب سینما و تلویزیون ایران می‌گذرد، اما مهدی هاشمی، همکار و دوست قدیمی او، معتقد است که عبدی هنوز زنده است؛ چرا که «در دل و جان مردم جا دارد».

هاشمی در گفت‌وگویی صمیمی، عبدی را «کمدینی بزرگ، منحصربه‌فرد و بی‌رقیب» توصیف کرد که وظیفه‌ی اصلی خود را به‌درستی می‌شناخت: «دست انداختن زورمندان، ثروتمندان، دزدان و متکبرانی که بر مردم ستم می‌کنند».

او با اشاره به چارلی چاپلین که پیش از جنگ جهانی دوم، هیتلر را در فیلم «دیکتاتور بزرگ» به تمسخر گرفت، گفت: هنرمندان کمیک، منتقدان بزرگ و نمایندگان اصلی مردم‌اند؛ زبان مردم».

هاشمی همچنین از وودی آلن یاد کرد و صحنه‌ای از فیلم‌های او را مثال زد که در آن، کمدین با طنزی تلخ، عملکرد رئیس‌جمهور وقت آمریکا را نقد می‌کند.

هاشمی با تأکید بر محدودیت‌هایی که عبدی در طول دوران بازیگری‌اش با آنها روبرو بود، نقل کرد که خود عبدی می‌گفت: «تمام عمر بازیگری دست‌بسته شنا کردم و زبان‌بسته بازی کردم».

با این حال، به باور هاشمی، او «بیش از امکاناتش» وظیفه‌اش را انجام داد و در دل مردم جاودانه شد.

هاشمی در پایان گفت: هزار جایزه برابری نمی‌کند با قبول‌داشتن مردم. «اکبر عبدی زنده است؛ اکبر عزیز زنده است».